

قابلیت‌های محیطی موثر بر خودآگاهی در مجموعه‌های مسکونی منتخب شهر مشهد^۱

حامدبیتی^۲، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

h.beyti@tabriziau.ac.ir

مینو قره بگلو، استاد تمام دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

m.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

المیرا کریمی پور، دانشجوی دکتری معماری اسلامی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

e.karimipour@tabriziau.ac.ir

چکیده

به اعتقاد صاحب‌نظران، اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت زندگی انسان نوشته‌شود، باید بر اساس خودآگاهی باشد که آشنایی با خویش و پیرامون خود را در پی دارد. یکی از منابع خودآگاهی، محیط است. محیط‌زندگی، توانایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیطی جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی را دارد. از این حیث، مسکن که بیش از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی در حال تحول انسان قرار دارد و متعاقباً مجموعه‌مسکونی، به علت ضرورت شناخت شیوه تفکر و تلقی از یک کل یکپارچه، با توجه به اجتماع‌پذیری بالای این گونه‌مسکونی مطرح می‌شود. این نوشتار به عنوان رویکردی علمی، به دنبال رابطه بین محیط مجموعه‌مسکونی و خودآگاهی، بر اساس ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) می‌باشد. تحقیق کیفی به صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای پرداخته و سپس به صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه است. توزیع پرسشنامه در میان ساکنین مجموعه‌های مسکونی شهر مشهد و تحلیل با استفاده از الگوسازی معادله‌های ساختاری و تحلیل عامل‌تاییدی مرتبه دوم با نرم افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس، انجام گردیده‌است. نتایج حاکی از آن است که خودآگاهی در ارتباط با محیط، دارای پنج سطح (تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا) بوده و گذر رازآلود، تداوم سناریوها، سازماندهی عملکردی، هویت‌پذیری و حضور طبیعت بترتیب بعنوان موثرترین قابلیت‌های محیطی در سطوح مذکور می‌باشند. در تعیین اهمیت سطوح، سطح ماندگاری که امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط را فراهم می‌سازد، به عنوان مهمترین سطح خودآگاهی در مجموعه‌مسکونی تعیین گردید. در این میان، قابلیت‌های کالبدی بیش از سایر قابلیت‌ها در تامین سطوح خودآگاهی، موثر واقع شد و سایر قابلیت‌ها، به تنهایی امکان تامین سطوح خودآگاهی در مجموعه‌مسکونی را نداشتند.

کلمات واژه ها: کیفیت زندگی، خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی، مجموعه مسکونی

^۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مجموعه مسکونی با رویکرد خودآگاهی» می‌باشد که با راهنمایی آقای دکتر حامد بیتی و مشاوره خانم دکتر مینو قره بگلو در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

^۲ نویسنده مسئول

زندگی خوب، حاصل زیستن و تامل بر زیست خویش است؛ که با نوعی آموزش در زمینه خردعملی^۱ پیوند دارد و طی آن، انسان به شکوفایی و تکامل می‌رسد. بنابراین می‌توان آن را یک دوره آموزشی، جهت کشف لحظه به لحظه خود، شناسایی نقاط ضعف، آموختن از اشتباهات و درک کیفیت سپری شده در موقعیت‌های مختلف، جهت عمل بهتر در آینده در نظر گرفت (ورنون، ۱۳۹۸، صص. ۵۰-۱۴) و اگر قرار باشد نسخه‌ای جهت تغییر و بهبود کیفیت زندگی انسان نوشته شود، باید بر اساس خودآگاهی که اساسی‌ترین مسئله در روانشناسی است، باشد (روچات، ۲۰۰۳، ص. ۷۱۷).

خودآگاهی نشان‌دهنده تاج دستاورد تکامل انسان است (مورین^۲، ۲۰۱۱، ص. ۱۰۱۳) و این پتانسیل را دارد که تقریباً هر تجربه‌ای را افزایش دهد (آکرمن^۳، ۲۰۲۱). زیرا آشنایی با خویش و پیرامون خود، منجر به احساس هویت و شناخت شیوه‌های منطقی ارتباط با دیگران می‌شود؛ این آگاهی به انسان احساس حضور در عالم را القا می‌کند که خود جزئی از آن است، باید آن را بسازد و تعالی بخشد تا از این طریق به سمت کمال طی مسیر کند. اکثر مردم معتقدند که خودآگاه هستند اما طبق مطالعات انجام شده، تنها ۱۵-۱۰٪ از آن‌ها خودآگاه هستند (اریچ^۴، ۲۰۱۸)؛ زیرا انسان فطرتاً فراموشکار است و مدام نیازمند تذکر و یادآوری است (نقی زاده، ۱۳۹۱، ص. ۳۳). در این میان، یکی از منابع خودآگاهی، محیط است (مورین، ۲۰۰۴، ص. ۱۹۹).

محیط بر ذهن آدمی تأثیر می‌گذارد (انصاری و مؤمنی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵) و در فهم انسان از محیط، اصلی‌ترین نقش را ادراک محیط دارا است که به معنای علم و آگاهی انسان از جهان بیرون و دنیای درون او است (نصیرسلامی و سوهانگیر، ۱۳۹۲، صص. ۷۹-۱۰۰). از اصلی‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند عامل آگاهی انسان گردد، مجموعه محیط و فضای زندگی انسان است که توانایی القای ارزش‌ها را به انسان دارد (نقی زاده، ۱۳۹۱، صص. ۴۶-۲۷). به عبارتی محیط زندگی توانایی به کارگیری مجموعه‌ای از قابلیت‌ها را برای تأمین معانی ذهنی (افشاری و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۵)، جهت رسیدن به معیارهای خودآگاهی و زیست خوب دارد (باطنی خسرو شاهی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷). از این حیث، مسکن به عنوان شکل‌دهنده هویت فردی انسان و همچنین جامعه‌پذیری او، مورد توجه است (شورت^۵، ۲۰۰۶)؛ که بیش از همه در ارتباط تنگاتنگ با زندگی در حال تحول انسان قرارداد و در واقع فرایندی است که در طول زمان، با تمام ابعاد وجودی انسان در می‌آمیزد، رشد می‌کند (پالاسما، ۱۳۸۹، ص. ۱۱۷) و از دیدگاه نظری اسلام، فرد در آن به شناختی عمیق از خود در برابر محیط اطراف و پروردگارش دست می‌یابد (ثمین شریفی میاوقی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۳۹).

¹ Practical intelligence

² Morin

³ Ackerman

⁴ Eurich

⁵ Short

از یکسو هر گونه‌ای از مسکن، قابلیت‌های متناسب با معیارهای خودآگاهی درخور خود را می‌طلبد و از سوی دیگر کیفیت مواجهه ساکنین هم با آن قابلیت‌ها متفاوت است. لذا مجموعه‌مسکونی، بعنوان کالبد زندگی جمعی و اهمیت بعد اجتماعی مسکن در آن (زاهدی و همکاران، ۲۰۰۹)، شناخت شیوه‌تفکر از یک کل را ضروری ساخته و بدین صورت نیازمند یک خودآگاهی است که ارزیابی خود، پیش بینی نحوه درک دیگران و اقدامات بر اساس باورها و ارزش‌های جمعی را شامل می‌شود (بامیستر^۱، ۲۰۰۵، ص. ۷). در این راستا پژوهش به عنوان رویکردی علمی به دنبال رابطه بین محیط مسکونی و خودآگاهی است تا بر این اساس بتوان به این پرسش پاسخ داد که اولاً «چه رابطه‌ای بین محیط و خودآگاهی وجود دارد؟» و دوماً «چه قابلیت‌های محیطی از مجموعه‌مسکونی می‌تواند بر خودآگاهی مؤثر باشد؟». لذا مشهود به عنوان دومین کلانشهر ایران که بسیاری از توسعه‌های اخیرش، موجب گسست در ساختار فضایی محلات و از بین رفتن هویت کالبدی، ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباط چهره‌به‌چهره آن‌ها شده است (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸، ص. ۵۷)؛ به عنوان نمونه مورد بررسی انتخاب گردیده است.

بررسی پیشینه مطالعات این پژوهش، به دو بخش خودآگاهی و رابطه انسان-محیط قابل تقسیم است. در بخش مطالعات خودآگاهی، پرینس و الکساندر^۲ (۲۰۱۷)، به ارتباط آن با هوش هیجانی اشاره کردند که در صورت عدم آن، انسان دچار ضعف در مهارت‌های اجتماعی می‌گردد. جیانانتی^۳ (۲۰۲۱) در من می‌دانم چگونه می‌دانم، استدلال کرده است که آگاهی ادراکی شامل شکلی ساختاریافته از خودآگاهی است و آگاهی فرد ریشه در حقایق پدیدارشناختی دارد. کرومنس^۴ و همکاران (۲۰۱۹) در کاوش خودآگاهی از بازشناسی تصویر خود و دیگران در آینه، دیدگاه‌های جدیدی را با استفاده از الگوی آینه‌ای برای تشخیص بدن ارائه می‌کنند. سانگ (۲۰۲۰) در طراحی پوستر پویا در مورد خودآگاهی رشد کودک، دریافت، مخاطبان به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول هیچ دانشی در مورد خودآگاهی ندارند و از درک استعاره‌ها عاجزند؛ دسته دوم افرادی هستند که دانش پیشینه‌ای از خودآگاهی دارند و بخشی از آثار را با حفاری زیاد، درک می‌کنند.

در بخش رابطه انسان و محیط، همانطور که باطنی خسروشاهی (۱۳۹۴) اشاره دارد، تأثیرات متقابل میان انسان و محیط کالبدی، از دو جهت کلی بررسی شده است: ۱) محیط کالبدی که رفتار انسان از آن نشأت می‌گیرد. ۲) رفتار انسان که محیط انسان ساخت را شکل می‌دهد که مطالعات پژوهش حاضر، بر اساس جهت اول انجام شده است. در این جهت برخی معتقدند که محیط، همانند فرهنگ بر انسان و رفتار او و همچنین بر تمایلات و انتخاب روش زندگی و همچنین بر اعتقادات انسان تأثیر می‌گذارد (نقی‌زاده (۱۳۹۱)؛ ریاحی و همکاران (۱۳۹۸)). در این راستا، صاحب‌نظران متعددی (طاهری: ۱۳۹۸، نصیرسلامی و سوهانگیر: ۱۳۹۲، بدری، بقایی، افهمی: ۱۳۹۴) از ادراک سخن گفته‌اند؛ برای ادراک، موضوع عینی و ذهنی از محیط مطرح شده است و ارتباط بین این دو را در خلق و تغییر قابلیت محیطی دانستند.

¹ Baumeister

² Hannah Prince & Lucy Alexander

³ Andrea Giananti

⁴ Gaëlle Keromnes

در راستای خودآگاهی عینی، دووال و ویکلاندا^۱ (۱۹۷۲) دریافتند که انتساب به خود زمانی بیشتر است که محرکی جهت معطوف کردن حواس به خود به جای محیط باشد و فرانتز و همکاران^۲ (۲۰۰۵) معتقدند، افزایش خودآگاهی عینی، در عین برجسته کردن ویژگی های درونی فرد، ارتباط با محیط را کاهش می دهد. همچنین ویکلاندا در سال (۲۰۰۸)، نظریه تکامل یافته خودآگاهی عینی را در ارزیابی خود به عنوان واکنش اولیه و سپس اجتناب از محرک هایی همچون آینه و فعالیت های حرکتی جهت تمرکز بر خود دانست. بنابراین می توان به اهمیت خودآگاهی، و تاثیر محیط پی برد. در این میان نکته ای که بدان پرداخته نشده، رابطه محیط و تاثیرش بر خودآگاهی است که در این پژوهش به مجموعه مسکونی از طریق قابلیت های محیطی، می پردازد:

خودآگاهی: انسان همه چیز را از راه آگاهی شناخته است (چالمرز^۳، ۱۹۹۵، ص. ۱). آگاهی طبق تعریف عرفی به حالاتی از ادراک حسی و هوشیاری دلالت می کند که از هنگام بیداری انسان از خواب آغاز می شود و تا زمانی که دوباره به خواب رفته یا به حالت اغما و مرگ بیفتد و یا اینکه به هر شکلی «ناآگاه» شود، ادامه می یابد؛ البته رؤیا نیز حالتی از آگاهی است (سرل^۴، ۱۹۹۷، ص. ۵). آگاهی از منظر کارشناسان، مشتمل بر آگاهی پدیداری، آگاهی دسترسی، آگاهی نظارتی و خودآگاهی می باشد (بلاک^۵، ۱۹۹۵، ص. ۲۰۶). در خودآگاهی، فرد از تجربیات ادراکی خود آگاه است؛ بنابراین می توان خودآگاهی^۶ را با خودآگاهی^۷ مترادف قرار داد (جیانیتی، ۲۰۲۱، ص. ۱۰۳۵). مسئله «آگاهی» با مسئله «خود» گره خورده است؛ زیرا تجربه آگاهانه بدون وجود تجربه کننده وجود ندارد (چرچلند، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۷). بلاک خودآگاهی را صاحب فهمی از «خود» بودن و توانایی به کارگیری این فهم در تفکر تعریف می کند (همان: ۲۱۳). هر تجربه آگاهانه ای از جهان در بردارنده نوعی خودآگاهی است (گالاگرو زهاوی^۸، ۲۰۰۸، ص. ۴۶). خودآگاهی، توانایی دیدن خود به روشنی و عینی از طریق تأمل و درون نگری است. اگرچه دستیابی به عینیت کامل درباره خود ممکن نیست زیرا این بحثی است که در طول تاریخ فلسفه همچنان ادامه دارد، اما مطمئناً درجاتی از خودآگاهی وجود دارد (آکرمن^۹، ۲۰۲۱). نظریه خودآگاهی مبتنی بر این ایده است که شما افکار خود نیستید، بلکه موجودی هستید که افکار شما را مشاهده می کند. شما متفکر و جدا از افکار خود هستید (دووال و ویکلاندا، ۱۹۷۲).

دو نوع متفاوت از خودآگاهی وجود دارد: نوع اول، در ارتباط با جهان می باشد که خود به نوع پیشاتأملی^{۱۰} و تأملی^{۱۱} تقسیم می شود (جدول ۲). خودآگاهی پیشاتأملی، آگاهی به غیر خود است و آگاهی تأملی به این صورت است که

¹ Duval & Wicklund

² Frantz, Mayer, Norton & Rock

³ Chalmers

⁴ Searle

⁵ Block

⁶ Self Awareness

⁷ Self consciousness

⁸ Gallager&Zahavi

⁹ Ackerman

¹⁰ Pre-Reflective Self-Consciousness

¹¹ Reflective Self-Consciousness

آگاهی به خود پس از آگاهی به غیر، صورت می‌گیرد. اکثر فیلسوفان ذهن معاصر، خودآگاهی و ارتباط با جهان را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند (فارل و مککلانس و دیگران^۱، ۲۰۱۷، صص. ۲-۱).

در این میان افرادی مانند ابن سینا معتقدند علاوه بر آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش، نوعی از خودآگاهی بی‌واسطه، صریح و از طریق درون‌نگری نیز وجود دارد که امروزه بسیاری از فلاسفه ذهن با مرتبه دوم خودآگاهی ابن سینا موافق نیستند مگر اینکه انسان ابتدا با جهان و متعلقات آگاهی ارتباط داشته باشد و در یک تأمل ثانوی به «خود» آگاهی یابد (اسحاقی نسب، زمانیها، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۹) که موارد گفته شده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱، انواع خودآگاهی در فلسفه ذهن

نوع ارتباط	بی ارتباط با جهان	در ارتباط با جهان
نوع خودآگاهی	خودآگاهی صریح و بی‌واسطه به خویش (درون‌نگری)	مرتبه اول، پیشاتاملی (آگاهی به غیر از «خود»)
نظریه پرداز	ابن سینا: آگاهی صریح و بی‌واسطه به خویش دکارت: «خودتنباهوری» (سولیسیم ^۲)	ارسطو: از طریق معرفت به غیر و در ضمن آن، معرفت به خویش صورت می‌گیرد. مرلوپونتی: بازگشت سوژه به خود از طریق «دیگری». هایدگر: در پی آگاهی ما به هر چیزی، «خود» در ضمن این تجربه آگاهانه ظهور می‌یابد. اوانز ^۳ : اصولاً داشتن آگاهی به «خود»، نیازمند توانایی درک خود از نگاه دیگری است. هگل: آگاهی از خویش با آگاهی از چیزهای دیگر امکان‌پذیر است. هابز: یک خودآگاهی صرفاً بی‌واسطه یک خودآگاهی دیگر وجود دارد. ارسطو در ضمن معرفت به غیر، معرفت به خویش صورت می‌گیرد (همان). هورسل: بیناذهنیت و میان‌ذهنیت. ابن سینا: آگاهی ضمنی و تلویحی به خویش

ماخذ: (اسحاقی نسب و زمانیها، ۱۳۹۹: ۱۲۹؛ قربانی، ۱۳۸۳: ۱۰۵؛ مکاریک، ۱۳۹۰: ۷۲؛ برموز، ۱۹۹۸: ۵۷۹؛ گالاگر و زاهوی، ۲۰۰۸: ۶۱؛

استپویچ، ۱۹۹۳: ۱۱۷؛ ضمیران، ۱۳۸۳: ۱۱۷؛ مکاریک، ۱۳۹۰: ۷۲)

خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی است. اشیاء و ساختارهای موجود در محیط فیزیکی، باعث ایجاد تمایز شده و حاوی محرک‌های انعکاس‌دهنده می‌باشند. محیط اجتماعی نیز، از طریق تعاملات چهره‌به‌چهره و با مکانیسم مقایسه اجتماعی می‌تواند منجر به بازخورد از خود گردد (مورین، ۲۰۰۴، ص. ۱۹۷). بنابراین طبق تصویر ۱، مباحث خودآگاهی بیشتر مرتبط با جهان و در دو بخش بیرونی و درونی است (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲).

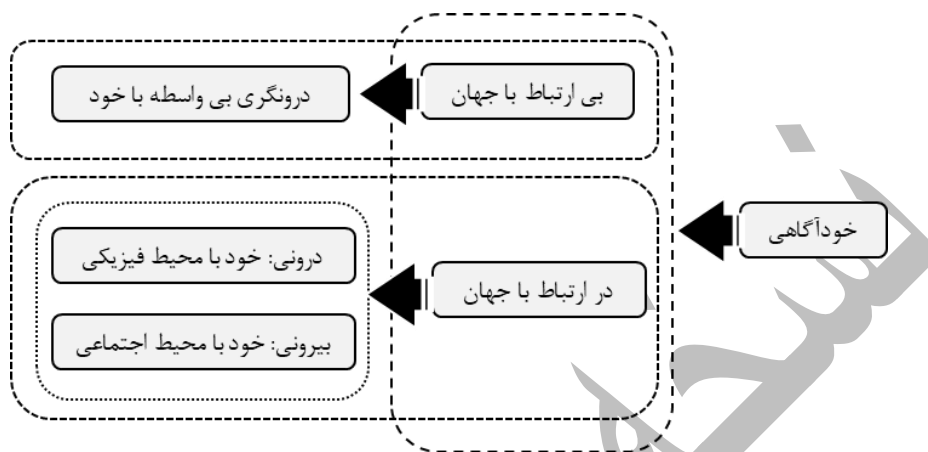
خودآگاهی درونی شامل شخصیت، احساسات و خواسته‌های «خود» و درک تناسب و تاثیر خود با محیط

¹ Farrell & McClellans, 2017: 1-2. Nida-Rumelin, 2017, 63. Rosenthal, 1986, 329-335. Gallagher & Zahavi, 2008: 46-61. Bermudez, 1998: 579. Stepevich, 1993: 117

² Solipsism

³ Evans Gareth

است (بامسیستر، ۱۹۹۹). در حالی که خودآگاهی بیرونی توسط دیگران و اجتماع نسبت به خود حاصل می‌شود (جیمز، ۱۸۹۰، ص. ۲۹۴) و در نهایت نشان‌دهنده این است که بدانیم دیگران چگونه به ما نگاه می‌کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲).



تصویر ۱، انواع خودآگاهی و ارتباط آن با نوع خود (مأخذ: نگارندگان)

سطوح خودآگاهی: فیلیپ روچات، خودآگاهی فرد بالغ را شبیه به نظریه خودشناسی کودک در آینه (از بدو تولد تا ۴-۵ سالگی)، شامل پنج سطح، از سطح صفر «سردرگمی: بدون خودآگاهی» تا سطح پنج «متا: فراخودآگاهی» می‌داند. در واقع توسعه خودآگاهی شبیه به لایه‌های پیاز است که فرد بالغ تا لحظه مرگ، از طریق این لایه‌ها در نوسان است (روچات، ۲۰۰۳، ص. ۷۲۸). سطح صفر (سردرگمی) که فرد از خود و جهان بی‌خبر است و جهان را بازتابی از خود نمی‌داند. در واقع هیچ دانشی در خصوص ادراکات ذهنی وجود ندارد اما اکثراً در این مرحله فکر می‌کنند که خودآگاه هستند و خوشحال از اینکه در وضعیت مثبت هستند در حالی که بیشتر خود را جذب می‌کنند (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۸). در سطح ۱ (تمایز)، فرد متوجه تمایز خود و جهان و انعکاس آن می‌شود. در این سطح دو لایه وجود دارد یکی خودی که فکر می‌کنیم هستیم و دیگری خودی که واقعا هستیم و افراد اکثراً توسط عادت‌ها و واکنش‌هایی که بدان آگاه نیستند، کنترل می‌شوند (مانسون، ۲۰۱۸، ص. ۳). همچنین برای جلوگیری از درد این تناقض، به صورت ناآگاهانه به حواس پرتی روی می‌آورند. بنابراین برای کاهش حواس پرتی بهتر است به جای حذف یکدفعه آن، به تدریج از بین‌رود (سانگ، ۲۰۲۰، ص. ۲)؛ همانطور که واتس (۱۹۷۰)، برخورد انسان با جهان را به آرامی و با ذوب‌شدن در ابهام برای وحدت با آن می‌داند و نقاشان چینی و ژاپنی جهت جذاب جلوه‌دادن کوه‌ها در نقاشی خود، قسمتی از آن‌ها را در مه فرو می‌برند تا جذاب‌تر شود (واتس، ۱۹۷۰، صص. ۸۱-۸۰). در سطح ۲ (موقعیت)، فرد می‌تواند جهان را به آنچه در درون خود درک می‌شود پیوند زند و بداند محیط امکان عمل را فراهم می‌کند. در سطح ۳ (شناسایی)،

¹ Baumsister

² James

³ Manson

⁴ Watts

فرد در حین کاوش تصویر عینی خود، خود را می‌شناسد. در سطح ۴ (ماندگاری)، فرد توانایی شناسایی خود فراتر از تصویرش را دارد؛ طوری که خود را در گذشته هم تشخیص دهد. در سطح ۵ (فراخودآگاهی، متا)، فرد می‌تواند نه تنها از منظر اول شخص، بلکه از دیدگاه سوم شخص نیز شناخته شود. در واقع این سطح درک شکافی بین درک درونی و درک بیرونی توسط دیگران از خود است و موجب شبیه سازی ذهنیت دیگران هنگام مواجهه با خود فانتزی می‌شود. این نشان می‌دهد که ما می‌توانیم رویدادها، رفتارها و خودمان را از منظر اول شخص و سوم شخص تجسم کنیم که بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه اول شخص این است که رویداد را همانطور که آنها در زندگی واقعی می‌بینند، در حال رخ دادن است. دیدگاه سوم شخص این است که رویداد را از منظر ناظر در زندگی واقعی ببینیم. این دیدگاه بر نحوه درک افراد از رویدادها تأثیر می‌گذارد. دیدگاه سوم شخص می‌تواند هزینه بر اما مفید باشد (رنی و همکاران، ۲۰۱۶). در این مسیر اکثراً معتقدند که در یک ساخت مشترک و در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (روچات و استریانو، ۱۹۹۹) و تنها رویکرد موثر، بازخورد ۳۶۰ درجه ناشناس است. ارزیابی مبتنی بر جستجوی بازخورد از منتقدان دوست داشتنی (دوستان و خانواده) که با منافع مشترک، مایلند حقیقت را بازگو کنند. یک تجربه واقعاً چشم باز که فرهنگ بسیار خودآگاه و غنی از بازخورد ایجاد می‌کند (بنجامین، ۲۰۱۹). بدین ترتیب، سطوح خودآگاهی در قالب محیط، طبق جدول ۲ تدوین می‌گردد.

جدول ۲، سطوح خودآگاهی در محیط

سطح	شرح	منبع	نوع خودآگاهی
۰: سردرگمی	عدم تشخیص خود در محیط و بازتابش در آن	—	تاملی (درونی)
۱: تمایز	عدم تشخیص خود واقعی از خود متصور شده و کنترل فرد توسط حواس پرتی و عادت‌ها. توصیه: کاهش مرحله به مرحله حواس پرتی	خود محیط فیزیکی	تاملی (درونی)
۲: موقعیت	پیوند درون (خود) و بیرون (محیط) و درک محیط به عنوان فضای عملکردی	خود محیط فیزیکی	تاملی (درونی)
۳: شناسایی	ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش فرد	خود محیط فیزیکی	تاملی (درونی)
۴: ماندگاری	امکان تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف توسط محیط	خود محیط فیزیکی	تاملی (درونی)

¹ Rennie, Harris and Webb

² Rochat & Striano

³ Benjamin

تاملی (بیرونی)	خود	امکان شبیه سازی ذهنیت دیگران توسط محیط و توانمند سازی فرد جهت دیدن مسائل از منظر سوم شخص	۵: (متا) فراخودآگاهی
	محیط فیزیکی		
	محیط اجتماعی		

(مأخذ: نگارندگان)

قابلیت محیطی: قابلیت محیطی درصدد پاسخ گویی به نیازها و به فعلیت رساندن هستی وجودی انسان در زیستگاه وی پدید می آید. از این طریق می توان محیط ساخته شده را به گونه ای شکل داد که برازندهی الگوی جاری یا دلخواه باشد (لانگ^۱، ۲۰۰۴). لانگ عقیده دارد، قابلیت ها، الگوهای ویژه محیط ساخته شده است که از چگونگی طرح و مصالح به کار رفته در آن و نحوه انتساب آن به گروه خاصی از مردم حاصل می شود. مولفه های تشکیل دهنده محیط شامل فرم یا صورت، عملکرد و معنا می باشد (پاکزاد، ۱۳۸۵) و بر این اساس قابلیت ها را می توان به شرح زیر دسته بندی کارآمدی کرد:

۱: قابلیت هایی که مردم نیاز دارند تا به گونه ای فیزیکی یا کالبدی با محیط تعامل پیدا کنند. این تعامل فیزیکی نیازهای اساسی مردم چون راه رفتن، خوردن، خوابیدن و غیره را تأمین می نماید. مولفه کالبدی به گفته کرمونا، بیانگر کیفیت هایی است که به کالبد محیط مربوط است.

۲: قابلیت هایی که مردم جهت ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان فردی بدان نیازمندند. در این سطح قابلیت های فضای معماری واسطه ای برای رمزگذاری و رمزگشایی است. عملکرد از طریق ادراک، در ذهن متبادر شده و در اعماق آن جایگزین می گردد (گمبریچ^۲، ۱۹۶۳). به گونه ای که فضای ساخته شده لایه های عملکردی متفاوتی را به انسان آن هم بر اساس نیازهایش پیشنهاد می نماید. در دیدگاه روان شناسی محیطی، عملکرد شیء و محیط است که قابلیت لازم را برای انجام فعالیتی فراهم می سازد (مطلبی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸).

۳: قابلیت هایی که مردم برای ارضای خواهش ها و تعاملات نمادین، سمبلیک و رمزگونه به همراه ویژگی های فرهنگی و روحانی از محیط انتظار دارند (همان). در اینجا سطح عمیق تری از ارتباط مطرح است که اهمیت بیانی یا نمادی یک مکان می باشد (لینچ^۳، ۲۰۰۵) و محیط کالبدی این معانی و قابلیت ها را در این سطح فقط به انسان ها ارائه می نماید (مطلبی، ۱۳۸۵، ص. ۵۸). بنابر این تقسیم بندی، با یک سه گانه قابلیت محیطی (فیزیکی-کالبدی، عملکردی، سمبلیک و نمادین) به بررسی قابلیت های محیطی موثر بر خودآگاهی می پردازیم.

از آنجا که توده مردم نسبت به آنچه می خواهند، ناآگاهند یا دانش و جسارت به زبان آوردن آن را ندارند؛ این وظیفه بر عهده افرادی به اصطلاح قهرمان است تا غایتی که مدنظر را به تحقق برسانند (استیس به نقل از هگل

¹ lang

² Gombrich

³ Lynch

، ۱۳۷۱، ص. ۳۱۴). لذا قابلیت‌های محیطی (کالبدی-فیزیکی، عملکردی، نمادین و سمبلیک) که موثر بر سطوح خودآگاهی باشد، از طریق مصاحبه صورت می‌گیرد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳، تفکیک قابلیت های محیطی مسکن مناظر با سطوح خودآگاهی

قابلیت محیطی		خودآگاهی
قابلیت نمادین	قابلیت عملکردی	سطح
ظرفیت نمادین رنگ‌ها/ رنگ و عناصر تشدیدکننده مقیاس از باب دعوتگری/ موضوعات دیرآشنا جهت معطوف کردن توجه/ چیدمان نمادین جهت تعریف عملکرد خاص/ استفاده از شبک و فخر و مدین/ نمادهای بصری	در ورودی و آستانه‌ها	۱: تمایز ایجاد تمایز و درگیری حواس مرحله به مرحله عدم نمایش عمق جهت رازآلودی/ گذر نور و دید کنترل شده/ تباین در فیلتربندی فضاها (هندسه، رنگ، مصالح، چیدمان و دما)/ گشایش فضایی در ارتفاع/ بازی با تاریک و روشن نور/ توجه بیشتر معطوف به نمای طبقات همکف با توجه به مخروط دید انسانی/ ترکیب فضای طبیعی و مصنوعی/ سازمان فضایی با رعایت سلسله‌مراتب و ایجاد پیش فضا و فضاهای واسط
	ارائه موضوعات مختلف جهت انعطاف رفتاری	
حضور بصری و شنیداری طبیعت/ فرهنگ سازی با چیدمان در فضاهای مشاع/ روانشناسی رنگ‌ها/ عناصر هویت پذیر/ برداشت استحاله شده از نماهای سنتی/ نمادهای فضایی که با حرکت در فضا درک شوند	در اتصال فضاها بهم	۲: موقعیت پیوند درون و بیرون و درک محیط به عنوان فضای عملکردی عدم اطلاعات بیش از حد در فرم، رنگ، مصالح/ سناریو سازی و تداوم ارتباطات فضایی سلسله‌مراتبی پیوسته حاصل ویژگی‌های پیش و پس از خود در هر فضا/ همخوانی مبلمان و مقیاس‌ها متناسب با سناریوی فضا/ امنیت فیزیکی و روانی/ محل و ابعاد و دست انداز بازشوها/ فضاهای نیمه باز/ تعریف مسیرهای مختلف دسترسی از طریق کفسازی/ پیروی از سبک معماری متناسب با سلیقه جمعی
	افزایش عمق تماشا در پیوند فضای باز و نیمه باز/ توانمند کردن محیط بیرون از خانه/ خوانایی و هدایتگری مسیرها با قراردادن آیکون‌هایی در طول راه/ صراحت کارکرد/ نورگیرها و داکت های مجزا	
عناصری هویت پذیر در چیدمان داخلی/ آرایش فضا و مصالح و رنگ‌های نمادین جهت بازنمایی شخصیت ساکنین	در فضاهای داخلی	۳: شناسایی ارائه تصویر عینی از خود توسط محیط در حین کاوش شخصی سازی واحد مسکونی با توجه به فعالیت ساکنین/ چیدمان انعطاف پذیر/ تناسبات فضایی با توجه به نیازهای کارکردی/ عدم تفکیک فضاهایی که می‌توانند مشترک باشند و واگذاری این تصمیم بر عهده ساکنین/ تعبیه فضا یا دیواری جهت تزیین با عکس و .. توسط کاربر حداقل حریم نیمه عمومی (نشیمن) و عمومی (پذیرایی)/ فواصل کاربری‌ها
	سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای کاربر با توجه به حالات مختلف روحی همچون ایجاد خلوت‌گاه/ طراحی مشارکتی/ امکان تغییر کاربری توسط کاربران	
ایجاد یک وضعیت دراماتیک از نور و دیگر عناصر زیبایی شناسانه/ فرم‌ها و عناصر	در کلیه فضاها	۴: ماندگاری امکان تشخیص خود در شرایط و نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز توسط بازشوها/ میزان پیوستگی محیط طبیعی و مصنوعی از طریق ابعاد و جهت بازشوها/ جهت نور و اولویت‌های کاربر/ توزیع عملکردها با توجه به نور و اولویت‌های کاربر/
	توزیع عملکردها با توجه به نور و اولویت‌های کاربر/	

<p>استحاله شده هویت پذیر و بومی / طاقچه / فضا سازی نمادین توسط چیدمان</p>	<p>افزایش عمر تماشای طبیعت توسط کریدور و پاسیو / گلخانه در فضاهای مشاع / ارائه عملکرد در بام / فضاهای انعطاف پذیر / مسیر سبز برای پیاده و دوچرخه</p>	<p>گیری ساختمان / تجهیز بام / طراحی فضاهایی در دیوار جهت نمایش یادگاری ها و آثار موفقیت فرد / بافت های خاص وابسته به تاریخ با امکان لمس و تجربه / مصالح طبیعی و پرداخت نشده</p>	<p>زمان های مختلف توسط محیط</p>
<p>کاربری جمعی با قدرت معنایی همچون نمازخانه / آلاچیق / کهن الگوهای خانواده / نماد شدن شخصیت کلی مجموعه</p>	<p>در فضاهای مشاع و جمعی عملکردهای جمعی (بازی ها و تماشاخانه و باشگاه ورزشی) / فضای برگزاری جشن ها در مناسبت های مختلف / اختلاط کاربری های هم جنس / تجهیز کاربری های جمعی جهت ترغیب کاربران به ترجیحشان نسبت به بیرون از مجموعه / امکان شخصی سازی در فضاهای جمعی / غربالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی</p>	<p>تعیین هندسی / مبلمان متحرک / آتریوم با حضور طبیعت و مبلمان جهت گفتگو / ایجاد گوشه های دنج و دارای دید به فضاهای جمعی / رعایت حریم ها / ایجاد فضای دیالوگ با فضا سازی غیرخطی و چیدمان مرکزگرا / ایجاد مکث در فضاهای مشاع توسط طرح کف / تعبیه عناصر مشترک همچون تابلو شارژ و قفسه امانات برای هر واحد در لابی / ایجاد تنوع در طراحی لابی / ایجاد کالدهای آشنا جهت حضور جمع</p>	<p>۵: متا (فراخود آگاهی) بینادهنیت</p>

(ماخذ: نگارندگان)

در نهایت مدل مفهومی پژوهش طبق تصویر ۲ ارائه می گردد.



تصویر ۲، مدل مفهومی پژوهش

۲. متدولوژی

پژوهش ترکیبی از تحقیق بنیادی و اکتشافی است که در فرایند اجرا به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) می‌باشد. تحقیق کیفی به صورت توصیفی-تحلیلی، به جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای پرداخته و سپس به صورت اکتشافی، از طریق مصاحبه با نمونه گیری گلوله‌برفی در میان خبرگان (اساتید هیئت علمی دانشگاه و متخصص در امر مسکن) تا رسیدن به اشباع نظری (سیدمن، ۱۳۹۵، ص. ۹۳) توسط ۳۳ نفر، ادامه یافت. تحلیل محتوای متن مصاحبه‌ها در دو سطح انجام گردید؛ بدین ترتیب که از سطح اول مصاحبه‌ها، قابلیت‌های کالبدی، عملکردی و نمادین متعددی بدست آمد. در سطح دوم که مبتنی بر انتزاع از مفاهیم سطح قبل بود، به دنبال کشف محورهای مشترک برای ارتباط بین آنها، از طریق متن همه مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی شکل گرفت (جدول ۳). سپس در روش تحقیق کمی طی چهار مرحله به ترتیب شامل ایجاد و توزیع پرسشنامه، سنجش پایایی داده‌ها، ارزیابی مدل بیرونی و سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق صورت گرفته‌است. این مقاله از نظر نتایج و پیامد و موضوع، کاربردی می‌باشد.

۱،۲. پرسشنامه

پرسشنامه به روش دلفی از مقوله‌های اصلی با تایید ۵ نفر از اساتید دانشگاه، در قالب طیف لیکرت تنظیم گردیده و نمونه‌گیری بصورت تصادفی بین ۳۰۰ نفر از ساکنین سه مجموعه مسکونی واقع در منطقه ۹ مشهد، به عنوان گروهی همگن از منظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، توزیع گشت.

۲.۲. سنجش پایایی داده‌ها

از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد و در مواردی که پایایی کمتر از ۰/۵ بود، سوالات نامرتب شناسایی شد. بدین ترتیب بارعاملی سوال ۹ در مولفه موقعیت، ۰/۲۹۲ و بارعاملی سوال ۱۰ در مولفه شناسایی ۰/۲۹۶ بود و غیر از این دو سوال که از ادامه پژوهش کنار گذاشته شدند، سایر سوالات، بارعاملی بیشتر از ۰/۳ را داشتند.

۳.۲. ارزیابی مدل اندازه‌گیری (مدل بیرونی)

پایایی و روایی سازه‌ها و شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی مرکب برای هریک از سازه‌های مدل بیشتر از ۰/۷ محاسبه گردید. همچنین تمامی شاخص‌ها از پایایی لازم برخوردار بودند. به منظور بررسی روایی سازه‌های انعکاسی مدل، از روایی همگرا و روایی افتراقی استفاده شد. آلفای کرونباخ، معیار متوسط واریانس استخراج شده برای ارزیابی روایی همگرای تمامی سازه‌های انعکاسی مدل، بیشتر از ۰/۵ بوده و همبستگی سوالات در متغیر «تمایز» از بیشترین میزان نسبت به سایرین برخوردار است. همچنین برای ارزیابی روایی افتراقی با استفاده از معیار فورنل-لارکر، جذر متوسط واریانس استخراج شده برای هر سازه از بالاترین همبستگی هر سازه با سایر سازه‌های مکنون بیشتر بوده و بدین ترتیب روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری نیز تأیید گردید. در جدول ۴ شاخص‌های پایایی و روایی همگرای متغیرهای پنهان ارائه شده است:

جدول ۴، بررسی پایایی و روایی همگرای متغیرهای پنهان و شناسایی سوالات نامرتب

متغیرهای پنهان	تعداد سوالات	سوال نامرتب	آلفای کرونباخ پس از حذف سوال	پایایی مرکب
تمایز	۴	-	0.782	0.858
موقعیت	۵	سوال ۹ (توانمندی فضاهای باز)	0.543	0.710
شناسایی	۴	سوال ۱۰ (طراحی مشارکتی)	0.569	0.746
ماندگاری	۷	-	0.674	0.775
متا	۷	-	0.685	0.771

داده‌ها طبق جدول ۵، توسط دو آزمون تحلیل عاملی، کی.ام.ا. با شاخص ۰/۷۸۸ و کرویت بارتلت دارای پی مقدار ۰/۰۰۰ با آماره کی دو ۶۲/۹۱۳ با ۳۰۰ درجه آزادی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار، سنجیده شد که نشان از

تفاوت معنادار بین ماتریس همبستگی جامعه مورد پژوهش و ماتریس همانی است؛ در واقع بین قابلیت‌های محیطی در داخل هر سطح از خودآگاهی، همبستگی بالایی وجود دارد.

جدول ۵، شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO و آزمون بارتلت در مرحله اول تحلیل عاملی اکتشافی

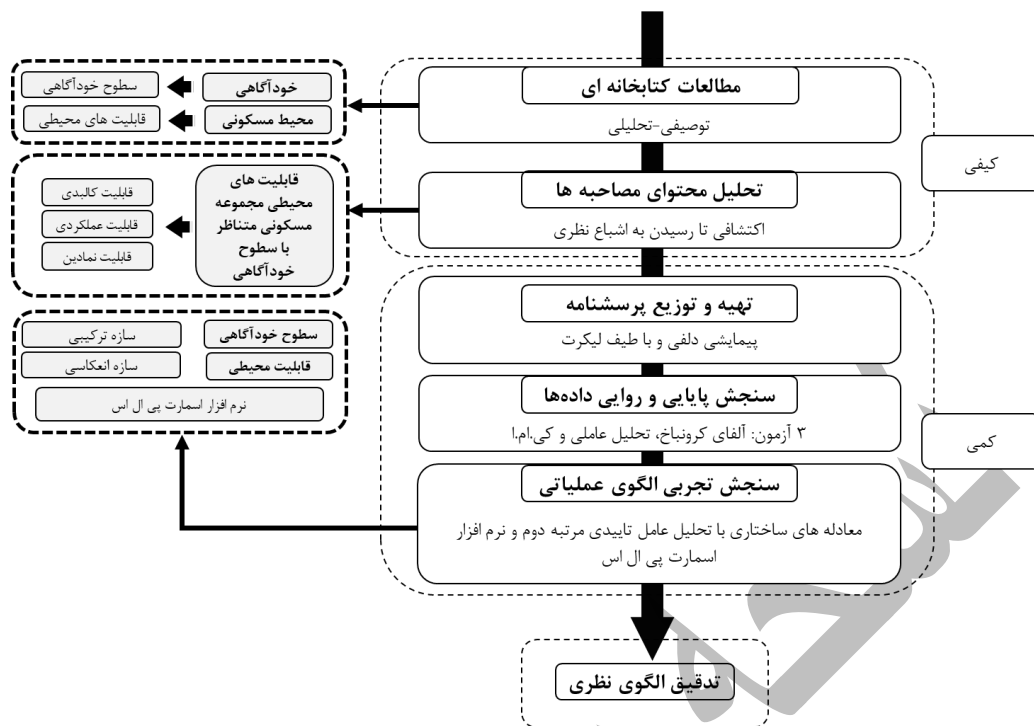
0.788	شاخص کفایت نمونه‌گیری کیسر-می-یر-اولکین (KMO)	
462.913	مجذور کای تقریبی	
300	درجه آزادی	آزمون کرویت بارتلت
0.000	p-value	

۴.۲. سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق

استفاده از الگویابی علی یا الگوسازی معادله‌های ساختاری با تحلیل عامل تاییدی مرتبه دوم انجام گردید. برای تحلیل عاملی مرتبه دوم به روش مدل‌سازی معادلات ساختاری از نرم‌افزار آماری اسمارت-پی ال اس^۱ نسخه ۳٫۰ استفاده شد؛ چرا که هرگاه حجم مشاهدات اندک و یا فاقد توزیع نرمال است و یا در مدل، متغیر ترکیبی وجود دارد، ترجیح بر به‌کارگیری رویکرد حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزارهای این چنین می‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵، ص. ۷۰). در مدل پژوهش، قابلیت‌های محیطی به صورت سازه‌های انعکاسی و ۵ سطح خودآگاهی به صورت سازه ترکیبی مدل سازی گردید. به‌منظور ارزیابی اهمیت و اولویت هریک از قابلیت‌ها در سطوح مورد بررسی، بارعاملی محاسبه شد و معناداری بارهای عاملی با استفاده از روش بوت استرپ^۲ برای به دست آوردن مقادیر t بررسی گردید. پس از آن، باتوجه به اینکه متغیر مرتبه دوم به صورت متغیر ترکیبی در نظر گرفته شد، به جای بارعاملی، وزن‌های مولفه‌ها، طبق تصویر ۳، محاسبه شد.

^۱ Smart-PLS

^۲ Bootstrap



تصویر ۳. فرایند پژوهش

در انتخاب نرم افزار جهت سنجش تجربی الگوی عملیاتی تحقیق، ابتدا نوع سازه‌ها مشخص گردید. همانطور که آزمون‌ها نشان دادند، بدلیل همبستگی بالای بین قابلیت‌های محیطی در هر سطح تشکیل دهنده و توانایی حذف شدن آنها (سوال ۹ و ۱۰)، نوع سازه آن‌ها انعکاسی است؛ در حالی که هر یک از سطوح خودآگاهی که بخشی از سازه خودآگاهی را شکل داده، بصورت مرحله‌ای طی می‌شوند و نمی‌توان هیچ یک را حذف کرد؛ همچنین همبستگی بالایی بین آن‌ها وجود ندارد؛ لذا سازه آن‌ها ترکیبی است (کلمن و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیر و همکاران، ۲۰۲۱، ص. ۱۸۵). از این جهت به دلیل وجود متغیرهای ترکیبی در مدل ساختاری پژوهش، نرم افزارهای مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کواریانس از جمله لیزرل در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها از کارایی کمتری برخوردار بوده (رینگل و ونده، ۲۰۰۵) و نرم افزارهای مبتنی بر حداقل مربعات جزئی، توانایی بالایی در انجام محاسبات اینگونه مدل‌ها دارند.

۳. یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش به روشنی نشان می‌دهد که خودآگاهی دارای سه منبع خود، محیط‌فیزیکی و محیط‌اجتماعی است و دو نوع درونی و بیرونی دارد که در نوع درونی، خود (فرد) با محیط‌فیزیکی و در نوع بیرونی با محیط‌اجتماعی همراه می‌شود (تصویر ۲). ادغام این دو محیط (فیزیکی و اجتماعی) توانایی تشکیل ۵ سطح در خودآگاهی را دارد که

¹ Coltman et al, 2008; Hair et al ,2021

² Ringle & Wende

بترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا هستند که فرد با طی مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد. لذا بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌های آماری پژوهش (جدول ۶)، اهمیت سطوح در مجموعه مسکونی به ترتیب ماندگاری، متا، تمایز، شناسایی و موقعیت هستند که در «سطح ماندگاری»، هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین هویت‌پذیری (در بافت و مصالح و فرم‌های استحاله شده)، فضاهای انعطاف‌پذیر (جهت بهره‌برداری در آینده) و نمایش حرکت خورشید به ترتیب با بارعاملی ۰/۸۶۹، ۰/۷۱۵ و ۰/۷۰۴ موثر واقع شدند. «سطح متا» با قابلیت کالبدی حضور طبیعت با بارعاملی ۰/۷۳۵، جهت تعامل، اهمیت یافت. «سطح تمایز» با قابلیت‌های کالبدی و نمادین رازآلودی، سلسله‌مراتب و تباین در فیلتربندی‌ها به ترتیب با بارعاملی ۰/۸۶۸ و ۰/۸۴۷ و ۰/۷۵۵ موثر بودند. «سطح شناسایی» با هر سه قابلیت کالبدی، عملکردی و نمادین سازماندهی عملکردی (در تامین نیازهای مختلف روحی) و بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی با بارهای عاملی ۰/۸۹۳ و ۰/۷۷۳ و «سطح موقعیت» با قابلیت کالبدی تداوم سلسله‌مراتبی سناریوها با بارعاملی ۰/۷۴۳ موثر واقع شدند. نتیجتاً طبق تصویر ۸، قابلیت کالبدی بیش از قابلیت عملکردی و نمادین در خودآگاهی فضاهای مجموعه مسکونی دخیل است. بدین صورت که در مجموعه مسکونی، برای نمایش هر عملکرد و معنایی، باید از قابلیت‌های کالبدی بهره‌گرفت و این دو به تنهایی کاربردی ندارند.

جدول ۶، بررسی بارعاملی و معناداری سطوح خودآگاهی و قابلیت‌های محیطی هر یک در مجموعه مسکونی

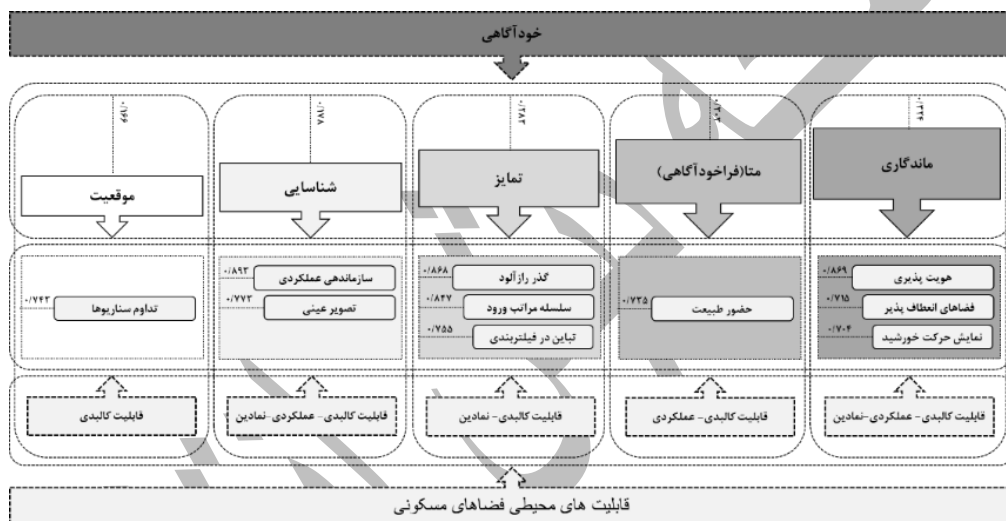
P Values	آماره t	انحراف استاندارد	بارعاملی	نوع	قابلیت محیطی	وزن سطوح با PValues:0/000	
						تمایز	موقعیت
0.002	3.158	0.275	0.868	کالبدی-نمادین	عدم نمایش عمق و رازآلودی با نور و دید کنترل شده و سایه روشن نور	0.283	تمایز
0.015	2.449	0.346	0.847	کالبدی	سلسله‌مراتب در سازمان فضایی با ایجاد پیش فضا و فضاهای واسط		
0.003	3.010	0.251	0.755	کالبدی	تباین در فیلتربندی فضاها		
0.089	1.703	0.364	0.620	کالبدی-نمادین	دعوت‌کنندگی از طریق تشدید مقیاس		
0.005	2.826	0.263	0.743	کالبدی	تداوم سلسله‌مراتبی سناریو سازی برای هر فضا	0.166	موقعیت
0.128	1.526	0.392	0.598	کالبدی	عدم اطلاعات بیش از حد در فرم، رنگ، مصالح و..		
0.032	2.144	0.318	0.681	کالبدی	افزایش عمق تماشای طبیعت		
0.214	1.244	0.342	0.425	کالبدی-نمادین	هویت‌پذیری با برداشت استحاله شده از گذشته	0.178	
0.001	3.228	0.239	0.773	کالبدی-نمادین	بازنمایی شخصیت ساکنین در چیدمان داخلی		

0.000	12.287	0.073	0.893	کالبدی- عملکردی	سازماندهی عملکردی در تامین نیازهای روحی ساکنین		شناسایی
0.313	1.010	0.394	0.398	کالبدی	تناسبات فضایی و فواصل کاربری‌ها		
0.000	5.364	0.131	0.704	کالبدی- عملکردی	نمایش حرکت خورشید و ساعات مختلف روز جهت سازماندهی فضاها	0.324	ماندگاری
0.000	3.901	0.145	0.566	کالبدی	افزایش عمر تماشای طبیعت		
0.503	0.670	0.266	0.178	کالبدی	تجهیز بام		
0.000	4.192	0.170	0.715	کالبدی- عملکردی	فضاهای انعطاف پذیر جهت بهره برداری در آینده		
0.000	16.341	0.053	0.869	کالبدی-نمادین	هویت پذیری با بافت های خاص وابسته به تاریخ و امکان لمس و تجربه، مصالح طبیعی و پرداخت نشده و برداشت استحاله شده		
0.000	8.406	0.083	0.697	کالبدی-نمادین	مسیر سبز با چیدمان نمادین		
0.480	0.707	0.220	0.156	کالبدی-نمادین	فضاهایی همچون طاقچه جهت نمایش یادگاری‌ها و آثار موفقیت		
0.081	1.750	0.276	0.484	کالبدی	گوشه‌های دنج و دارای دید به فضاهای جمعی	0.303	منا
0.001	3.237	0.191	0.619	کالبدی	تعیین هندسی فضاهای مشاع برای ایجاد فضای دیالوگ		
0.000	5.946	0.124	0.735	کالبدی	فضایی همچون آتریوم با حضور طبیعت در لابی		
0.000	4.075	0.150	0.610	عملکردی	ارائه عملکردهای جمعی		
0.017	2.388	0.210	0.501	عملکردی	اختلاط کاربری		
0.284	1.073	0.286	0.307	کالبدی-نمادین	کالدهای آشنا		
0.000	5.417	0.129	0.698	عملکردی	غربالگری ساکنین جهت انسجام فرهنگی		

موضوع قابل تامل دیگر، تفاوت «عمق تماشا» در سطوح مختلف خودآگاهی طبق جدول ۳ می‌باشد؛ بدین صورت که در سطح تمایز بر عدم نمایش عمق تاکید شده‌است؛ یعنی قابلیت‌های محیطی باید درصدد کاهش عمق تماشا باشند تا حواس پرتی‌های فرد بتدریج کاهش یابد. در حالی که در سطح موقعیت، تاکید بر افزایش عمق تماشا از طریق پیوند

فضاهای باز و نیمه باز و بسته شده است. در سطح ماندگاری نیز افزایش عمر تماشای عمق مدنظر بوده است؛ بطوریکه فرد بتواند در آن فضا مکث بیشتری جهت تماشا داشته باشد.

بحث دیگر در مورد سطح شناسایی است که به روحیات و شخصیت ساکنین می‌پردازد و بیش از پیش بر موضوع ساکنین به عنوان بهره‌برداران واقعی، اهتمام می‌ورزد. نکته مهم دیگر فراخودآگاهی (متا) بوده که به دنبال ایجاد بینادذهنیت از طریق تعامل است؛ یعنی هرچه فضاها توانایی جذب حداکثری از تجمع ساکنین را از طریق تعیین هندسی، کالبدهای آشنا، حضور طبیعت و اختلاط کاربری داشته باشند، تعامل بین افراد در جهت شناخت ذهنیت همدیگر، به افزایش خودآگاهی در این سطح یاری می‌رساند. البته این موضوع در مجموعه مسکونی، باید با توجه به موضوعات مختلفی رعایت گردد؛ از جمله ایجاد گوشه‌های دنج در فضاهای جمعی، که علاوه بر تامین حدودی از خلوت فرد در عین تماشا، می‌تواند عاملی دعوتگر جهت پیوستن وی به جمع باشد.



تصویر ۴، تدقیق الگوی نظری پژوهش

۴. بحث

در بررسی شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) گویه‌ها، میانگین سوال ۹ «ارائه عملکرد خاص در فضای بیرونی در مولفه موقعیت» و «طراحی مشارکتی در مولفه شناسایی»، بیشتر از حد وسط (۳) در طیف لیکرت ۵ تایی بود که نشان دهنده این است که اکثر پاسخ‌دهندگان با آن موافق بوده‌اند، ولیکن به دلیل ایجاد ناسازگاری درونی با سایر سوالات و همچنین بارعاملی کمتر از ۰/۳، این دو سوال از ادامه پژوهش کنار گذاشته شدند.

آنچه پژوهش حاضر را در مقایسه با پژوهش‌های پیشین (دووال و ویکلاندر ۱۹۷۲) و فرانتر و همکاران (۲۰۰۵)) متمایز می‌سازد، این است که برخلاف همگی آن‌ها که ارتباط با محیط را در تقابل با خودآگاهی می‌دانستند؛ این پژوهش اتفاقاً به توانایی تاثیر محیط بر افزایش خودآگاهی پرداخته است چرا که اصولاً منابع خودآگاهی (خود، محیط فیزیکی، محیط اجتماعی) با محیط گره خورده است.

موضوع متمایز دیگر این است که همانطور که مقاله‌ای (جیانان‌تی، ۲۰۲۱) به حقایق پدیدارشناختی در خصوص آگاهی فرد اشاره کرده‌بود، این پژوهش، خودآگاهی در محیط را با استفاده از نظریه‌الگوی آینه بررسی می‌کند که مقاله کرومنس و همکاران (۲۰۱۹)، جهت تشخیص بدن از آن بهره‌مند شده بود؛ و روشن می‌گردد که برخلاف نظریه تکامل یافته خودآگاهی عینی (ویکلاند، ۲۰۰۸) که به اجتناب از آینه و فعالیت های حرکتی تاکید می‌ورزید؛ خودآگاهی در محیط مسکونی دارای سطوحی بوده که همانند مقاله سانگ (۲۰۲۰)، درک مخاطب، نیازمند دانش پیشینه‌ای بوده و لذا اتفاقاً سطح شناسایی و ماندگاری (آگاهی از خود)، بر عناصر هویت‌پذیر (همچون آینه‌ای از خود) و پیوستگی محیط (مصنوعی و طبیعی) و سازماندهی عملکردی فضاها تاکید دارد که این امر مستلزم حرکت در آن‌ها نیز می‌باشد.

۵. نتیجه گیری

کیفیت زندگی به نحوه‌شناسایی لحظه‌به‌لحظه خود توسط خودآگاهی بستگی دارد. در این میان نقش محیط‌زندگی به ویژه مسکن برای به‌کارگیری قابلیت‌های محیطی در جهت القای کیفیت مطلوب، بیش از سایرین است. بنابراین پژوهش در وهله اول باهدف کنکاش در رابطه بین محیط و خودآگاهی، مشخص گردانید که اولاً خودآگاهی که مد نظر پژوهش بوده از نوع مرتبط با جهان است که دارای دو نوع درونی (خود(فرد) با محیط فیزیکی) و بیرونی (خود(فرد) با محیط اجتماعی) می‌باشد. محیط فیزیکی و اجتماعی باهم توانایی تشکیل ۵ سطح در خودآگاهی را دارند که بترتیب شامل: تمایز، موقعیت، شناسایی، ماندگاری و متا هستند و فرد با طی مرحله‌ای آن‌ها به فراخودآگاهی می‌رسد و می‌تواند در طراحی محیطی مورد توجه قرار گیرد. در وهله دوم برای رابطه محیط مجموعه‌مسکونی و خودآگاهی، قابلیت‌های محیطی مرتبط با هریک از سطوح معین شده و مورد سنجش پژوهش قرار گرفت. روشن گردید که حضور در مجموعه‌مسکونی در ابتدا نیازمند ایجاد «تمایز» جهت کاهش تدریجی حواس‌پرتی‌های روزمره است؛ لذا ایجاد جذابیت با نوعی رازآلودی و درگیری آرام آرام فرد توسط نور و دید کنترل‌شده و سلسله‌مراتب‌ورود و تباین در فیلتربندی‌ها ایجاد می‌گردد. برای درک فرد از «موقعیت»، تداوم سلسله‌مراتبی سناریوها جهت پیوند فرد با محیط ضروری است. سپس جهت «شناسایی» خود در محیط، روحیات فرد جهت سازماندهی عملکردی و بازنمایی شخصیت آنان در فضاها مهم جلوه‌می‌کند. برای تشخیص خود در شرایط و زمان‌های مختلف در سطح «ماندگاری»، هویت مرتبط با گذشته، انعطاف فضاها مرتبط با آینده و همچنین حرکت خورشید جهت آگاهی از ساعات مختلف روز، اهمیت دارند. آخرین مرحله در سطح «متا»، جهت ایجاد بینادذهنیت توسط تعامل، نقش طبیعت پررنگ می‌باشد. بر این اساس قابلیت کالبدی در مجموعه‌مسکونی، بیش از سایر قابلیت‌ها توانایی القای سطوح خودآگاهی را دارا است و سایر قابلیت‌ها به تنهایی، امکان تأمین سطوح خودآگاهی را ندارند. شایان ذکر است این پژوهش در مقیاس مجموعه‌مسکونی مورد بررسی قرار گرفته‌است؛ لذا اهمیت سطوح خودآگاهی و متعاقباً قابلیت‌های محیطی موثر بر آن‌ها نیز در سایر گونه‌های مسکونی، می‌تواند متفاوت بوده و موضوع بحث در پژوهش‌های آتی قرار گیرد. تفاوت قابلیت محیطی «عمق تماشا» در سطوح مختلف خودآگاهی نیز امکان بررسی بیشتر را دارا است. همچنین دو گویه حذف‌شده «ارائه عملکرد خاص در

فضای بیرونی در مولفه موقعیت» و «طراحی مشارکتی در مولفه شناسایی» به علت ناسازگاری درونی، قابلیت بررسی در پژوهش‌های آتی را خواهند داشت.

منابع

۱. افشار، ز.، هنر فر، ر.، قاضی، ر. (۱۳۹۸)، ارزیابی شاخصه‌های مسکن در برج‌های مسکونی کلانشهر مشهد (نمونه موردی: مجتمع بلندمرتبه باران ۱). کنفرانس بین‌المللی پیشرفت‌های اخیر در علوم اطلاعات، مهندسی و فناوری، ۳۰ خرداد
۲. انصاری، م.، مؤمنی، ک. (۱۳۸۹)، بررسی نقش عوامل محیطی بر رفتار انسان. گزارش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، (۱۹)، ۶۶-۶۷
۳. استیس، و. (۱۳۷۱)، فلسفه هگل، (حمید عنایت، مترجم)، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ پنجم
۴. اسحاقی نسب، ا.، زمانیه، ح. (۱۳۹۸)، نسبت بین خودآگاهی و آگاهی به غیر در فلسفه ارسطو و ابن سینا، ذهن، تابستان (۸۲)، ۱۰۹-۱۳۴،
۵. باطنی خسروشاهی، ا.، بلیلان اصل، ل. (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر فرآیند ادراک در رابطه انسان محیط و نقش آن در طراحی محیط شهری، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر
۶. پاکزاد، ج. (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی
۷. پالاسما، ی. (۱۳۸۹)، هویت. حریم خصوصی و مأوا. پدیدارشناسی مفهوم خانه در نقاشی. معماری و سینما، (امیر امجد، مترجم)، ماهنامه صنعت سینما (۹۷)، ۱۲۱-۱۱۶
۸. ثمین شریفی میاوقی، ا.، یعقوبی سنقرچی، م.، حق لسان، م. (۱۳۹۸)، ارزیابی مؤلفه‌های ارزشی معماری مسکن مطلوب بر اساس نظام معرفتی اسلام (نمونه موردی: خانه‌های معاصر ارومیه). آموزش و ارزشیابی، ۱۲ (۴۸)، ۶۲-۳۳
۹. چرچلند، پ. (۱۳۹۳). مادی‌انگاری حذفی و گرایش‌های گزاره‌ای. (نظریه حذف‌گرایی در فلسفه ذهن، یاسر پوراسماعیل، مترجم). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۱۰. خاکپور، ب.، مافی، ع.، و باوان پور، ع. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله ای نمونه کوی سجادیه در مشهد. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۲ (۲)، ۵۶-۸۱
۱۱. رسولی محلاتی، ه. (۱۳۷۸)، شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۲. سیدمن، ا. (۱۳۹۵)، مصاحبه به عنوان یک روش پژوهش کیفی؛ راهنمای پژوهشگران علوم تربیتی، اجتماعی و انسانی. (علی کوشا زاده، علیرضا جابری و سارا حسینی ارانی، مترجم). تهران: انتشارات مهکامه
۱۳. ضمیران، م. (۱۳۸۳)، مقوله بین الاذهان و دیالوگ، فرهنگ اندیشه، (۱۲)، ۱۲۶-۱۱۳

۱۴. طاهری، ت.، طاهری، ج. (۱۳۹۸)، ارزیابی عوامل محیطی موثر بر سلامت روان در مجموعه‌های مسکونی (نمونه موردی: مجموعه‌های ۵۱۲ و ۶۰۰ دستگاه شهر مشهد). هویت شهر، ۱۳(۴۰)، ۷۴-۵۷
۱۵. عزیزی، م.م.، معینی، م. (۱۳۹۰)، تحلیل رابطه بین کیفیت محیطی و تراکم ساختمانی. هنرهای زیبا، (۴۵)، ۵-۱۶
۱۶. مارکوس، ک.ک. (۱۳۸۲)، خانه: نماد خویشتن. (علی علیقیان، مترجم). خیال بهار، ۳۶-۱۱۹
۱۷. مطلبی، ق. (۱۳۸۰)، روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، (۱۰)، ۶۷-۵۲
۱۸. مطلبی، ق. (۱۳۸۵)، بازشناسی نسبت فرم و عملکرد در معماری. هنرهای زیبا، (۲۵)، ۶۴-۵۵
۱۹. مکاریک، ا. (۱۳۹۰)، دانشنامه‌ی نظریه‌های ادبی معاصر. (مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجم)، تهران: آگه
۲۰. نقی‌زاده، م. (۱۳۹۱)، حسن حضور، مطلوب‌ترین برآیند ارتباطات انسان با محیط. نشریه مطالعات معماری ایران، (۲)، ۲۷-۴۶
۲۱. نصیرسلامی، م.ر.، سوهانگیر، س. (۱۳۹۲)، راهکارهایی جهت ارتقاء کیفیت اثر متقابل انسان و محیط بر یکدیگر با رویکرد روان‌شناسی محیطی. تحقیقات روانشناختی، ۵(۱۹)، ۷۹-۱۰۰
۲۲. ورنون، م. (۱۳۹۸)، زندگی خوب: ۳۰ گام فلسفی برای کمال بخشیدن به هنر زیستن. (پژمان طهرانیان، مترجم). نشر نو.
23. Ackerman, C.E.(2021), What Is Self-Awareness and Why Is It Important? [+5 Ways to Increase It], <https://positivepsychology.com/>
24. Baumeister, R. F. (Ed.).(1999), *The self in social psychology*. Philadelphia, PA: Psychology Press (Taylor & Francis)
25. Bermudez, J.L.(1998), *The Paradox of Self- Consciousness*; US: MIT Press
26. Benjamin, B.(2019), Why Most People Lack Self-Awareness and What to Do About It. *Training Magazine*. March 18, <https://trainingmag.com/why-most-people-lack-self-awareness-and-what-do-about-it> / (accessed 2020)
27. Block, N.(1995), On a Confusion about a Function of Consciousness, pp:208-214, In: *Philosophy of Mind: Classical and Contemporary Readings*, ed. David J. Chalmers., New York: OXFORD. UNIVERSITY PRESS, 116-125
28. Chalmers, D.(1995), Facing Up to the Problem of Consciousness. *Journal of Consciousness Studies*, 2(3), 200-219
29. De Dreu, C.K.W., van Knippenberg, D. (2005), The possessive self as a barrier to conflict resolution: Effects of mere ownership, process accountability, and self-concept clarity on competitive cognitions and behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 89(3), 345-357. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.89.3.345>
30. Duval, S., Wicklund, R. A. (1972), *A theory of objective self-awareness*. Academic Press.
31. Eurich, T.(2018), What Self-Awareness Really Is (and How to Cultivate It). *Harvard Business Review*. <https://hbr.org/2018/01/what-self-awareness-really-is-and-how-to-cultivate-it>. (accessed July 4, 2020).
32. Farrell, J., McClelland, T.(2017), Consciousness and Inner Awareness. *Review of Philosophy and Psychology*; (8), 1-22

33. Gallager, Sh., Zahavi, D.(2008), Consciousness and Self-consciousness. in *The Phenomenological Mind*. New York: Routledge,45-68
34. Giananti, A.(2021), I know how I know: perception, self-awareness. *self-knowledge, Synthese*,(198),10355–10375 <https://doi.org/10.1007/s11229-020-02726-9>
35. Gombrich, E. H. (1963), *Mediations on a Hobby Horse*. Phaidon, London
36. James, W. (1890), *The principles of psychology*, New York: Holt, (1)
37. Lang, J.(2004), *Creating architectural theory, The role of behavioral sciences in environmental design*, (Alireza Eynifar: Trans). Tehran: University of Tehran
38. Lynch, K.(2005), *A theory of city form*,(Seyed Hossein Bahraiy:trans).Tehran: University of Tehran
39. Lewis, M. (1990), Self-knowledge and social development in early life. In L. A. Pervin (Ed.), *Handbook of personality: Theory and research*. The Guilford Press, 277–300
40. Manson, M.(2018), The Three Levels of Self-Awareness. *MM.NET*. May 3. [https:// markmanson.net/self-awareness](https://markmanson.net/self-awareness) (accessed 2020)
41. McLeod, S. A. (2008), Self concept. *Simply Psychology*. www.simplypsychology.org/self-concept.html
42. Morin, A.(2004), A Neurocognitive and Socioecological Model of Self-Awareness. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 130(3), 197–222
43. Morin, A.(2011), Self-awareness Part 2: Neuroanatomy and importance of inner speech. [*Social and Personality Psychology Compass*](#), (2),1004-1017
44. Nida-Rumelin, M.(2017), *Self-Awareness, Review of Philosophy and Psychology; Springer*, (8),55–82
45. Rennie, L.J., Harris, P.R., & Webb, T.L.(2016), Visualizing actions from a third-person perspective: effects on health behavior and the moderating role of behavior difficulty . *Journal of Applied Social Psychology*, 26 September. doi: <https://doi.org/10.1111/jasp.12410> (accessed 2020)
46. Rochat, P., Striano, T. (1999), Social cognitive development in the first year. In P. Rochat (Ed.), *Early social cognition*. Mahaw, NJ: Lawrence Erlbaum Associates,3–34
47. Rochat, Ph. (2003), Five levels of self-awareness as they unfold early in life. *Department of Psychology, Emory University, USA, Atlanta: 27 February*,30322 (532) North Kilgo Circle, 717-731
48. Rosenberg, M. (1979), *Components of Rosenberg's self-esteem scale*. *Conceiving the self*. New York: Basic Books.
49. Rosenthal, D.M.(1986), *Two Concepts of Consciousness, Philosophical Studies*,49(3),329-359
50. Scheibe, K. E. (1985), Historical perspectives on the presented self. In B. R. Schlenker (Ed.), *The self and social life*,New York: McGraw-Hill,33-64
51. Searle, J.R. (1997), *The Mystery of Consciousness*. New York: A New YorkReview Book.208-214
52. Short, j.R.(2006), *Urban Teory Acritical Assessment*.New york: Pal
53. Stepelevich, L.(1993), *Selected Essays on G.W.F Hegel*. by Humanitics press international, Inc.
54. Xiong, Sh. (2020), Self-awareness: A dynamic poster design about self-awareness child development. *Rochester Institute of Technology Rochester, NY, July4*,1-25.
55. Zahedi, M.J, SHirani, M, Alipour, P. (2009). The relationship between social capital and social welfare, Welfare social. *Scientific and research journal*,9(32), http://refah.user.ac.ir/bronse.php_a_id=1870.